

# سازوکار جبران جمعی خسارات ناشی از نقض قواعد امنیتی آیین‌نامه عمومی حفاظت از اطلاعات اتحادیه اروپا و امکان‌سنجی اجرای آن در حقوق ایران

علی‌اکبر فرحزادی<sup>۱\*</sup>، مهدی ناصر<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حقوق اسلامی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران  
۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

## چکیده

جبران جمعی خسارات ناشی از نقض قواعد امنیتی حفاظت از داده‌های خصوصی، موضوع آیین‌نامه عمومی حفاظت از اطلاعات مصوب ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا، سازوکاری جدید است که از سال ۲۰۱۸ در دستور کار این اتحادیه قرار گرفت. هدف از پژوهش حاضر این بود که به روش اسنادی شرایط و مکانیسم اجرا و قواعد حاکم بر سازوکار مذکور تبیین شود. این سازوکار بدین منظور اجرا می‌شود که دعوی ناشی از نقض قواعد امنیتی آیین‌نامه مذکور در یک دادگاه تجمیع شود تا برای جبران خسارات ناشی از عملکرد کنترل‌کننده با پردازندگان اطلاعات جمع‌آوری شده توسط ابزارهای اینترنت اشیا یا واقعیت مجازی مؤسسات مردم‌نهادی که مبادرت به دریافت مجوز می‌کنند امکان اقامه دعوا جهت احقاق حقوق اشخاص را داشته باشند. این مؤسسات، مطابق ماده ۸۰ مقررات مرقوم، نمایندگان قانونی مردم‌اند و نیازی به اخذ نمایندگی جهت اقامه دعوا از سوی ایشان ندارند. در این سازوکار، مطابق دستورالعمل حمایت از حقوق جمعی مصرف‌کنندگان، مصوب ۲۰۱۸، دولت‌ها نیز مسئول جبران خسارات وارده‌اند. اجرای این فرایند در حقوق ایران منوط به سیاست‌گذاری‌های تقنینی و اجرایی در نظارت بر عملکرد سازمان‌های مذکور، تصویب مقررات مصوب اتحادیه، و اصلاح قوانین داخلی متعارض است.

## کلیدواژگان

آیین‌نامه عمومی حفاظت از اطلاعات، جبران جمعی خسارات، حفاظت از داده‌های خصوصی، سیاست‌گذاری تقنینی و اجرایی.

\* رایانامه نویسنده مسئول: aliakbar.farahzadi@yahoo.com

## مقدمه

از سال ۲۰۱۶ میلادی با تصویب آیین‌نامه عمومی حفاظت از اطلاعات اتحادیه اروپا، که در ماه می سال ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا شد، سازوکاری جدید در دستورکار کمیسیون اتحادیه اروپا قرار گرفت که برخلاف مبانی کلی موجود در نظام حقوقی کشورهای عضو اتحادیه امکان جبران جمعی خسارات در دعوی ناشی از نقض مقررات امنیتی آیین‌نامه مذکور برای اتباع کشورهای عضو اتحادیه پدید آمد. این سازوکار در مقایسه با مقررات قبلی حاکم بر این اتحادیه، با عنوان دستورالعمل پارلمان اروپا در حفاظت از اشخاص در سازوکار پردازش اطلاعات خصوصی و آزادی تبادل آن‌ها، مصوب ۱۹۹۵، تغییرات محسوسی کرده است که مهم‌ترین آن پیش‌بینی تشریفات تجمیع دعوی مرتبط با یک نقض قاعده امنیتی در دادگاهی واحد و شرایطی برای عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در چگونگی اقامه دعوی در جبران جمعی خسارات وارده به مصرف‌کنندگان با کیفیاتی خاص در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا یا واقعیت مجازی است. این در حالی است که دادگاه عالی عدالت اتحادیه اروپا، در جایگاه یکی از دو مرجع عالی قضایی اتحادیه، که آرای آن از قابلیت سیاست‌گذاری فراملی نیز برخوردار است، در آرای از

1. European General Data Protection Regulation (GDPR).
2. Directive 95/46/EC of the European Parliament and of the Council of 24 October 1995 on the protection of individuals with regard to the processing of personal data and on the free movement of such data.
3. Court of Justice of the European Union.
۴. دادگاه عالی عدالت اتحادیه اروپا یکی از مراجع قضایی این اتحادیه است که مطابق توافق جمیع اعضای این اتحادیه برای پاسداری و نظارت بر اجرای مقررات مصوب این اتحادیه تشکیل شده و نسبت به دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو اتحادیه صلاحیت بیشتری دارد. اشخاصی که به آرای صادره از مراجع قضایی کشور متبوع خود یا کشور دیگری که به جهت برخورداری از صلاحیت (در مواردی مانند توافق طرفین یا حکم قانون حاکم بر قرارداد یا دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی ناشی از قرارداد و ...) مبادرت به اقامه دعوا در آن کشور کرده‌اند و از آرای این مراجع در رابطه با عدم اجرای مصوبات اتحادیه اروپا، که در کشور محل وقوع دادگاه لازم‌الاجراست، متضرر شده‌اند، امکان اعتراض برای رسیدگی به موضوع در این دادگاه را دارند. آرای این دادگاه قطعی و برای همه مراجع قضایی و اداری کشورهای عضو اتحادیه اروپا لازم‌الاتباع است.

۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص محدوده صلاحیت دادگاه مذکور در سیاست‌گذاری تقنینی ←:

Stijn van Deursen & Thom Snijders (2019). *The Court of Justice at the Crossroads: Clarifying the Role for Fundamental Rights in the EU Copyright Framework*, Springer.

خود جز در موارد مصرح موجود در دستورالعمل جبران خسارات ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت، مصوب ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا، اقامه دعوا به نمایندگی از دیگر متضرران را در خصوص اشخاص غیر قابل استماع دانسته است. مثلاً استدلال دادگاه مزبور در پرونده<sup>۱</sup> Schrems v Facebook، در رد دعوی شرمز به نمایندگی از دیگران، عدم احراز وجود رابطه حقوقی میان خواهان و دیگر مصرف‌کنندگان بود (Kane 2019). اما در سال‌های اخیر، به جهت وجود مشکلات ناشی از عدم رعایت مقررات امنیتی دستورالعمل مصوب ۱۹۹۵، سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا با تصویب دستورالعمل اخیرالذکر در جبران حداکثری خسارات وارده به اشخاص، ناشی از عدم رعایت مقررات امنیتی آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶، تلاش کرده‌اند.

موضوع مقررات آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ در خصوص اشخاص حقیقی یا حقوقی است که با اطلاعات خصوصی افراد، چه از جهت جمع‌آوری این اطلاعات و چه از جهت پردازش آن‌ها، در ارتباط‌اند. این اشخاص افراد یا نهادهایی هستند که با تولید ابزار اینترنت اشیا<sup>۲</sup> یا واقعیت مجازی<sup>۳</sup> و عرضه این ابزار به بازار، مستقیم، با اطلاعات بیان‌شده مواجه می‌شوند. البته این سازوکار منحصر به این دو مقوله نیست و در هر مقوله دیگری، که در دسترسی به اطلاعات خصوصی اشخاص و

1. Case C-498/16 Maximilian Schrems v Facebook Ireland Limited [2018] (ECLI:EU:C:2018:37).

۲. ابزارهای اینترنت اشیا ابزارهایی هستند که با نصب سنسورهای متعدد به سخت‌افزار آن‌ها و تعبیه پروتکل‌های مورد نیاز در پردازنده آن‌ها قادر به ارتباط با یکدیگر یا انسان و اعمالی می‌شوند که در دستورالعمل داده‌شده به آن‌ها تعیین شده است. ابزارهای مذکور، جهت انجام دادن وظایف تعیین‌شده با دریافت همه اطلاعات مورد نیاز از محیط و پردازش آن‌ها یا ارسال اطلاعات مذکور به کنترل‌کننده، مبادرت به تصمیم‌گیری و اجرای دستور می‌کنند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ←

Beatriz Conde Gallego & Josef Drexler (2019). IoT Connectivity Standards: How Adaptive is the Current SEP Regulatory Framework?, *International Review of Intellectual Property and Competition Law*.

۳. واقعیت مجازی عبارتی است که در بردارنده ابزارهای فیزیکی به کارگرفته‌شده‌ای می‌باشد که با اتصال به بدن عامل انسانی و قابلیت دریافت حرکات و حس این عامل امکان ایجاد ارتباط میان دنیای حقیقی و مجازی را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر با اتصال لوازم جانبی به عامل انسانی انسان می‌تواند با حرکات بدن خود به کنترل عامل مجازی در فضای سایبر اقدام کند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ←

Crystal Nwaneri (2017). Ready Lawyer one: Legal Issues in ne Innovation of Virtual Reality, *Harvard Journal of Law & Technology*.

تبادل و پردازش آن‌ها مکانیسمی مشابه داشته باشد، جاری است. اما در حال حاضر فناوری دیگری، که از این پروسه در پردازش اطلاعات اشخاص برخوردار باشد، وجود ندارد و اجرای مقررات آیین‌نامه ۲۰۱۶ از جهت عملی محدود به سازوکار عملکرد ابزارهای مذکور است.

مکانیسم عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا یا واقعیت مجازی به شکلی است که این ابزارها در جهت اجرای مفاد پروتکل‌های داده‌شده به پردازنده آن‌ها نیاز به جمع‌آوری اطلاعات از محیط پیرامون، طبقه‌بندی، و پردازش آن‌ها دارند. سازوکار عملکرد این ابزار نیز تحت نظارت تولیدکنندگان آن‌ها، که اصطلاحاً کنترل‌کننده نامیده می‌شوند، صورت می‌پذیرد. دسته‌ای از اطلاعات جمع‌آوری شده به کمک ابزارهای مذکور، به جهت ماهیت خاصی که دارند، برای کنترل‌کنندگان این ابزارها نیز ارسال می‌شوند. این اطلاعات عموماً داده‌پیام‌های حاوی اطلاعات شخصی افراد، از جمله اطلاعات بیومتریک آن‌ها، است که کنترل‌کنندگان نیز به جهت فرایند طولانی پردازش آن‌ها این وظیفه را عموماً به شرکت‌های پردازش داده می‌سپارند. مفاد آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ نیز دقیقاً برای حمایت از حقوق مالکان اطلاعات مذکور تصویب شده است تا از سوءاستفاده از اطلاعات شخصی اشخاص توسط کنترل‌کنندگان یا پردازندگان جلوگیری کند. اما، در صورتی که اشخاص مذکور به هر دلیل مفاد مقررات امنیتی این آیین‌نامه را رعایت نکنند و از این حیث خسارتی وارد آید، مسئول جبران خسارات واردشده خواهند بود.

چگونگی احقاق حق زیان‌دیدگان موضوع اصلی این پژوهش است که در ادامه به تفصیل درباره آن بحث می‌شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که سازوکار اقامه دعوی جمعی در جبران خسارات ناشی از نقض مقررات امنیتی آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ چیست و شاخصه‌های این سازوکار در مقررات یادشده چگونه تشریح شده است؟ برای پاسخگویی به سؤال مذکور، در پژوهش حاضر، با مطالعه تحلیلی نظام حقوقی اتحادیه اروپا و تطبیق مبانی موجود در این نظام با مبانی موجود در حقوق ایران، در دو گفتار، ابتدا سازوکار جبران جمعی خسارت و فلسفه پیش‌بینی این سازوکار در نظام حقوقی اتحادیه اروپا (گفتار اول در دو بند) تبیین شده و پس از آن شاخصه‌های این سازوکار در اعطای مجوز فعالیت به سازمان‌های مردم‌نهاد و چگونگی اعطای این مجوز به آن سازمان‌ها (گفتار دوم در دو بند) تشریح شده است.

### فلسفه وضع و تبیین سازوکار جبران جمعی خسارت در آیین‌نامه ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا

همان‌طور که بیان شد، جبران جمعی خسارت سازوکاری جدید است که آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ در مقایسه با دستورالعمل مصوب ۱۹۹۵ در نظام حقوقی اتحادیه اروپا پدید آورده است. تا پیش از لازم‌الاجرا شدن این دستورالعمل، تنها دستورالعمل مصوب ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا در رابطه با نقض قواعد حقوق رقابت امکان اقامه دعوی جمعی (توسط نهادها) را فراهم آورده بود. این در حالی است که در آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ نیز این سازوکار در دستور کار سیاست‌گذاران، البته با تفاوت‌هایی محسوس نسبت به سازوکار موجود در حوزه حقوق رقابت، قرار گرفته است. جهت روشن‌تر شدن ماهیت موضوع، در این گفتار در دو بند ابتدا به بیان فلسفه پیش‌بینی این سازوکار در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و پس از آن به تبیین فرایند مذکور پرداخته می‌شود.

### تبیین فلسفه پیش‌بینی سازوکار جبران جمعی خسارت

فلسفه پیش‌بینی تشریفات جبران جمعی خسارت در نقض امنیت داده‌ها بر دو مبنای توسعه عدالت و حمایت از مصرف‌کننده شکل گرفته است.

### توسعه عدالت

دسترسی به عدالت یکی از اصول بنیادین حقوق است که در ماده ۴۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا و بند ۴ ماده ۶۷ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا نیز بر آن تأکید شده است. وجود سازوکار عدالت در بازار به منزله ایجاد تساوی در دریافت منافع جمعی در موارد نقض قواعد از سوی خاطی است. در مورد اشخاصی که به نقض قواعد امره موجود در یک نظام حقوقی مبادرت می‌ورزند، عده‌ای از متضرران از امکان احقاق حقوق قانونی خود برخوردارند و با اقامه دعوا در دادگستری برای تأمین حقوق خود اقدام می‌کنند. اما عده‌ای از مصرف‌کنندگان به جهت نبود شرایط مناسب از امکان اقامه دعوا در دادگستری بی‌بهره‌اند (Skadden 2019). از سوی دیگر در دعاوی حقوقی سازوکاری مانند دعاوی کیفری وجود ندارد که مدعی‌العموم به اقامه دعوا، به نمایندگی از اشخاص در جامعه، مبادرت کند.<sup>۱</sup> ازین‌رو، یگانه راه جبران خسارت و توزیع عادلانه

۱. البته این موضوع می‌تواند با استثنائاتی همراه باشد؛ از جمله تهدید نظم عمومی ناشی از اعمال مشارالیه، که امکان ورود مدعی‌العموم وجود دارد. چنین استثنایی در مواردی مانند وقوع خسارات بسیار گسترده است که به اخلاف در نظم عمومی

منافع میان متضرران اقامه دعوی جمعی است. علاوه بر آن، در غالب موارد قدرت اقتصادی ناقض قواعد آمره باعث می شود امکان اخذ رضایت طرف ضعیف دعوا و انصراف وی از ادامه فرایند رسیدگی در دادگستری فراهم آید (Eurobarometer 2019: n14). ازین رو در سازوکار جمعی جبران خسارت فقط از طریق استرداد دعوا از سوی همه خواهانها امکان بایگانی پرونده وجود خواهد داشت؛ مضافاً اینکه در غالب نظامات حقوقی اقامه دعوی حقوقی از سوی شخص یا اشخاص واحد به جهت تحمیل هزینه های دادرسی بالا یا صرف وقت فراوان برای رسیدگی به دعاوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی هم منجر به اتلاف وقت و هزینه می شود هم به تشکیل دعاوی متعدد حقوقی در دادگستری و افزایش بی رویه آمار پرونده های در حال جریان در این مرجع می انجامد. اقامه دعوی جمعی می تواند از این مشکلات جلوگیری کند.

#### حمایت از مصرف کننده

علاوه بر توسعه عدالت، حمایت از مصرف کنندگان نیز فلسفه پیش بینی این سازوکار در نظام حقوقی اتحادیه اروپاست. اگرچه وجود سازوکار جبران جمعی خسارت در دعاوی دیگر، از جمله دعاوی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت در اتحادیه اروپا، نیز پیش بینی شده است، سیاست گذاران اتحادیه، به جهت وجود مشکلات ناشی از اجرای احکام پرونده های ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت، در زمینه حمایت از متضرران ناشی از نقض قواعد امنیتی آیین نامه مصوب ۲۰۱۶ به پیش بینی سازوکاری جدیدتر از سازوکار موجود در حقوق رقابت مبادرت ورزیده اند.

جرقه پیش بینی سازوکار جدید در زمینه نقض قواعد امنیتی در اجرای حکم به پرونده Dieselgate در سال ۲۰۱۵ برمی گردد که در آن عده ای با تولید متقلبانه خودروهای آلمانی فولکس واگن و عرضه آنها به بازار قواعد حقوق رقابت در اتحادیه اروپا را به هم زدند. این تقلب خسارات چندین میلیاردی به خریداران این خودروها وارد آورد. دادگاه داخلی کشور آلمان نیز، با صدور حکمی، به جبران جمعی خسارات رأی داد. اما قدرت اقتصادی و نفوذ سردمدار شرکت مزبور موجب شد دادگستری از دریافت خسارات ناشی از نقض اعمال ضد رقابتی آن شرکت در بازار بازماند و خسارت بسیاری از مصرف کنندگان به رغم وجود حکم دادگاه جبران نشود. این

وضعیت، در سال ۲۰۱۷، سیاست‌گذاران اتحادیه را به اجرای سازوکارهای جدید جبران جمعی خسارات در اتحادیه ترغیب کرد (Hodges 2019).

به جهت آنکه مطابق مفاد ماده ۱۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا همه سیاست‌گذاری‌های تقنینی این اتحادیه برای کشورهای عضو لازم‌الاتباع است و این کشورها باید به پیش‌بینی سازوکارهایی در جهت تحقق بخشیدن به سیاست‌گذاری‌های مذکور مبادرت کنند، درخواست سازمان مصرف‌کننده اروپایی<sup>۱</sup> و نمایندگان ۳۸ عضو اتحادیه برای ارائه بسته پیشنهادی جهت حمایت از مصرف‌کنندگان و پیشگیری از مشکلات ناشی از اجرای آرای دعاوی جمعی مطروح در حوزه حقوق رقابت، موجب شد در زمینه حمایت از متضرران ناشی از نقض قواعد امنیتی آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ دستورالعملی با عنوان «حمایت از حقوق جمعی مصرف‌کنندگان» (هم‌سو با آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶) در سال ۲۰۱۸ تصویب و به همه کشورهای عضو ابلاغ شود. مفاد بند ۱ ماده ۱۶ این دستورالعمل کشورهای عضو اتحادیه را، که دعاوی جمعی در صلاحیت دادگاه‌های داخلی این کشورها و منجر به صدور حکم از آن دادگاه‌ها شده باشد، ملزم به جبران خسارات جبران‌نشده مصرف‌کنندگان و مفاد بند ۲ ماده مزبور در زمینه قانون‌گذاری این کشورها را ملزم به سیاست‌گذاری تقنینی صحیح جهت تحقق اهداف دستورالعمل مذکور کرده است.<sup>۲</sup>

### تبیین سازوکار جبران جمعی خسارت

پارلمان اروپا در اعلامیه مورخ ۲۰۱۴ خود در چارچوب مقدمات تصویب آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ جبران جمعی خسارات را به شرح ذیل تعریف کرد: «جبران جمعی خسارات مکانیسمی است که مطابق آن متضرران با اقامه دعاوی جمعی در دادگاه صالح برای احقاق حقوق تضییع‌شده خود اقدام می‌کنند. هدف از اجرای این سازوکار تجمیع دعاوی منفرد در یک دادگاه و تضمین جبران حداکثری خسارات واردشده به زیان‌دیدگان است» (European Commission 2019: n13).

با ملاحظه تعریف صورت‌گرفته و با توجه به عبارت «تجمیع دعاوی منفرد» در بدایت امر ممکن است این موضوع به ذهن خطور کند که پارلمان اروپا با تصویب این آیین‌نامه به دنبال

1. Bureau Europe en des Unions de Consommateurs (BEUC)

2. European Commission, art 16.

حذف اقامه دعوی منفرد در دادگستری و پیشبرد سازوکار احقاق حقوق متضرران از طریق دعوی جمعی است؛ به خصوص که مطابق آنچه در مطالب آتی در خصوص ماده ۸۰ آیین نامه شرح داده خواهد شد پیش‌بینی تشریفات اقامه دعوا توسط سازمان‌های مردم‌نهاد و کیفیت اعطای مجوز به این سازمان‌ها، که ناشی از طی پروسه طولانی اخذ مجوز توسط مدیران این سازمان است، ذهن مخاطب را بر ارائه این نظر به شکلی موجه‌تر ترغیب می‌کند. این در حالی است که مشاهده مفاد ماده ۷۷ آیین‌نامه مذکور نه تنها این حق را از متضرران سلب نکرده، بلکه برای آن‌ها امکان اقامه دعوا با شرایط مشخص را نیز فراهم آورده است.

البته در اجرای مقررات مواد پیش‌گفته چالش‌هایی نیز وجود دارد. عده‌ای از حقوق‌دانان، با در نظر گرفتن فلسفه پیش‌بینی دعوی جمعی و مشکلات ناشی از اقامه دعوی منفرد - از جمله تحمیل هزینه دادرسی به خواهان، ایجاد پرونده‌های متعدد در دادگستری، درگیر کردن ناقض در دعوی متعدد فراملی در صورت تحقق خسارات به اشخاص دارای تابعیت‌های متعدد، تحمیل هزینه‌های نامتعارف به ناقض در دفاع از حقوق خود در دادگاه‌های متعدد از جمله هزینه‌های ناشی از رسیدگی‌های قضایی و دیگر مشکلات - نظر بر ضرورت منع اقامه دعوی منفرد در کشورها دارند (Janciu 2019: 8). از طرف دیگر سازوکار اقامه دعوا در برخی کشورها، مانند تایلند، به شکلی پیش‌بینی شده که در موارد وجود دعوی جمعی در حوزه‌ای خاص امکان اقامه دعوی خصوصی از اشخاص سلب شده است.<sup>۱</sup> یا مفاد حکم صادره در دعوی جمعی از سوی دادگاه رسیدگی‌کننده قابلیت تسری به اشخاصی که در آن دعوا مشارکت کرده‌اند را دارد (مانند اسپانیا) یا پذیرش یا عدم‌پذیرش دعوی منفرد در عرض دعوی جمعی منوط به نظر دادگاه تعیین شده است (مانند انگلستان) (Band et al 2019) که اجرای مفاد مقررات آیین‌نامه مذکور در این کشورها را منوط به سیاست‌گذاری‌های تقنینی از سوی مراجع قانون‌گذار آن‌ها می‌کند.

در کنار این موارد اقامه دعوی منفرد در برخی کشورهای اروپایی، مانند آلمان، نیز در صورت وجود سازوکار دعوی جمعی بدون انحصار در تشریفات خاص به اختیار زیان‌دیده قرار داده شده است که با مشارکت در دعوی جمعی از مزایای حکم صادره در دعوا بهره‌مند شود یا برای احقاق

۱. سازوکار مذکور اصطلاحاً Opt-out-Basis نامیده می‌شود.



حقوق خود به صورت شخصی اقدام کند<sup>۱</sup> (European Consumer organisation 2017: 4) ضمن اینکه مفاد ماده ۷۷ آیین‌نامه، صرف‌نظر از قواعد عام موجود در هر یک از نظامات حقوقی کشورهای عضو اتحادیه و توسعه قواعد صلاحیت محلی دادگاه‌های رسیدگی‌کننده، متضرران از عملکرد نهادهای ناقض قواعد امنیتی را بر اقامه دعوا در مراجع قضایی کشور «محل سکونت، محل کار، یا محل تخلف ادعایی» مختار کرده است.

اما سؤال پیش رو این است که از آنجا که یکی از اهداف پیش‌بینی مکانیسم اقامه دعوی جمعی، در تعریف مندرج در آیین‌نامه مورخ ۲۰۱۴، تجمیع دعاوی منفرد در دادگاهی واحد است، آیا توسعه صلاحیت محلی دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به هر یک از معیارهای «محل سکونت»، «محل کار»، یا «محل وقوع تخلف» امکان دستیابی به هدف پیش‌بینی‌شده را محقق خواهد کرد؟ در صورتی که دعاوی مطروحه در کشوری واحد تشکیل شوند، طبیعتاً دادگاه‌های رسیدگی‌کننده بر اساس معیار «تقدم در رسیدگی» امکان تجمیع این دعاوی در دادگاهی واحد را خواهند داشت. اما در صورتی که در کشورهای متعدد این امر اتفاق افتد، اساساً تجمیع دعاوی جز با اتلاف هزینه و وقت فراوان ممکن نیست. ازین‌رو، راه‌حل پیش رو حل این مسئله در اتحادیه اروپا و سیاست‌گذاری تقنینی جدید است. حقیقتاً نیز صدور یک حکم علیه ناقضی که با انجام دادن عملی به نقض قاعده‌ای از آیین‌نامه مذکور مبادرت ورزیده به عدالت نزدیک‌تر است.

پیش‌بینی کیفیت سازوکار جبران جمعی خسارات در دعاوی ناشی از نقض مقررات امنیتی حفاظت از اطلاعات از آوریل سال ۲۰۱۸ در دستورکار کمیسیون اتحادیه اروپا قرار گرفت. این کمیسیون با در نظر داشتن مفاد دستورالعمل حفاظت از حریم خصوصی اروپاییان در ارتباطات الکترونیکی مصوب ۲۰۰۲ مقرراتی تصویب کرده که جایگزین و ناسخ مقررات دستورالعمل مذکور است و از زمان تصویب سازوکار اقامه دعوی جمعی در مراجع قضایی دادگاه‌های ملی و فراملی کشورهای این اتحادیه را تعیین کرده است. مقررات آیین‌نامه مذکور به جهت شکلی بودن از زمان لازم‌الاجرا شدن بر همه دعاوی اقامه‌شده پیش از تصویب این آیین‌نامه در دادگاه‌ها نیز

۱. سازوکار مذکور اصطلاحاً Opt-in-Basis نامیده می‌شود.

2. Directive 58/2002/ EC on the protection of privacy in the context of electronic communications.

حاکم است و دادگاه‌ها ملزم به اجرای این مقررات در دادرسی‌های در حال جریان در شعب خودند.<sup>۱</sup> این سازوکار دارای برخی آثار حقوقی است. در حالت عادی، در صورتی که دعوایی قابل تجزیه باشد، اگر یکی از خواهان‌ها به استرداد دعوا تمایل داشته باشد، دادگاه امکان تجزیه دعوا و صدور رأی بر رد دعوا علیه وی و رسیدگی به دعوای خواهان دیگر را خواهد داشت؛ در حالی که سازوکار جبران جمعی خسارت تشریفاتی جدید است که در آن استرداد دعوا فقط با رضایت جمعی متضرران امکان‌پذیر است (Janciute 2019: 3). ازین رو، دادگاه‌ها جز در موارد وجود چنین شرایطی امکان رد دعوا را نخواهند داشت. سؤال پیش رو این است که چطور امکان وارد کردن مالی به دارایی فردی که به دریافت آن مال رضایت ندارد وجود دارد؟

پاسخ به سؤال مذکور روشن است. چون عدم امکان رد دعوای خواهان در مرحله رسیدگی دادگاه مانع‌الجمع با عدم امکان اجرای حکم بر له وی نیست. آنچه در سازوکار بیان شده موجود است تشریفات اقامه دعوا در دادگستری است و با لحاظ اوضاع و احوال امر استرداد دعوا توسط یک خواهان در مواردی به منزله انصراف وی از دریافت خسارات وارده در مرحله اجرای حکم است. البته ضروری که در نتیجه عدم اجرای مقررات آیین‌نامه ۲۰۱۶ وارد می‌آید اعم از ضرر مادی و معنوی است (Pachl 2019). این موضوع در بند ۱ ماده ۱۶۸ قانون حفاظت از اطلاعات مصوب ۲۰۱۸ بریتانیا<sup>۲</sup> و در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است.

در حقوق ایران سازوکار جبران خسارت جمعی مطابق مبانی موجود در مواد ۱ تا ۳ قانون مسئولیت مدنی زیرمجموعه حوزه مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد. در این نظام، مطابق با صحیح‌ترین نظر از میان نظرات موجود، مبنای جبران خسارات ناشی از نقض مقررات قانونی استناد زیان به فعل واردکننده است (رهپیک ۱۳۹۵: ۱۸-۲۰). اما در صورتی که انتساب بیان‌شده میان ضرر و

۱. از این دعوای می‌توان به اقامه دعوای جمعی کاربران گوشی‌های اپل از شرکت‌های وابسته این شرکت در کشور انگلستان در خصوص سازوکار عملکرد برنامه safari در این گوشی (در سال ۲۰۱۷) یا شکایت کارمندان فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر لندن در باب عدم رعایت مقررات حفاظت از اطلاعات شخصی آن‌ها (در سال ۲۰۱۸) اشاره کرد (Bernard & Wakefield 2019).

2. UK Data Protection Act 2018.

فعل عامل زیان به اثبات برسد، مطابق نظریه تضمین حق در حوزه تمامیت جسمانی اشخاص یا حق مالکیت مشارالیه، عامل زیان مطلقاً مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود (بهرامی احمدی ۱۳۹۱: ۱۲۴). ازین رو، چگونگی جبران ضررهای وارده و سازوکار جدید بیان شده در این پژوهش از جهت شکلی قابلیت اجرا در حقوق ایران را دارد. از جهت ماهیت، به دلیل وجود مبانی حقوقی دقیق، نیازی به سیاست‌گذاری تقنینی در این خصوص احساس نمی‌شود.

در حقوق ایران، مطابق مفاد مواد ۳۱ تا ۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان طرح دعوای جمعی با اعطای وکالت بر شخص یا مؤسسات حقوقی امکان‌پذیر است و این موضوع مانع اقامه دعوای منفرد در حقوق ایران نیست (مستفاد از شمس ۱۳۹۴: ج ۲، ۲۴) و در موارد طرح دعوای جمعی نیز هر یک از خواهان‌ها امکان استرداد دعوای خود را مطابق قواعد عام موجود در قانون آیین دادرسی مدنی دارند (طهماسبی ۱۳۹۶: ۴۶). اما، علاوه بر موارد بیان شده در فلسفه پیش‌بینی سازوکار جبران جمعی خسارت در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، آنچه ضرورت توجه به این سازوکار را در نظام حقوقی ایران تقویت می‌کند این است که در موارد متعدد خسارات وارده به متضرران به جهت عدم امکان شناسایی آن‌ها در مراجع قضایی بدون جبران باقی می‌ماند یا طرف متضرر به جهت قدرت و نفوذ طرف دیگر دعوا عموماً مبادرت به صلح با وی و استرداد دعوای خود می‌کند.

این موضوع نه تنها به جری شدن نقض کنندگان مقررات و عدم اجرای مفاد آن‌ها منجر می‌شود، بلکه مشکل اساسی زمانی بروز پیدا می‌کند که فناوری‌های بیان شده در مقدمه پژوهش به منزله فناوری نوظهور در حقوق ایران نیز مورد پذیرش قرار گرفته باشد. اطلاعات بیومتریک اشخاص داده‌هایی بسیار باارزش‌اند که اهمال در حفاظت از آن‌ها و دسترسی بیگانگان به آن‌ها می‌تواند، علاوه بر زیان‌های مادی یا معنوی، زمینه ساخت سلاح‌های بیومتریک توسط بیگانگان را نیز فراهم آورد. ازین رو، توجه به مقررات پیشگیرانه آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ یکی از راه‌های حل مشکل موجود است.

### شرایط وقوع سازوکار جبران جمعی خسارات ناشی از نقض قواعد امنیتی آیین‌نامه مصوب

۲۰۱۶

پس از بیان فلسفه و تبیین سازوکار جبران جمعی خسارات، مسئله پیش رو شرایط اقامه دعوای جمعی در نقض قواعد امنیتی آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ اتحادیه اروپاست. این شرایط در پیش‌بینی

سازمان‌های مردم‌نهاد در اقامه دعوی جمعی خلاصه شده است. اگرچه در سازوکار اقامه دعوی جمعی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت نیز به این سازوکار به نحوی اشاره شده است، مکانیسم موجود در نقض قواعد امنیتی، علاوه بر مسئولیت دولت در جبران خسارات وارده، که مطابق دستورالعمل مصوب ۲۰۱۸ در گفتار اول بدان اشاره شد، تفاوت‌های دیگری نیز دارد که در دو بند به تشریح این موارد پرداخته می‌شود.

### پیش‌بینی سازمان‌های مردم‌نهاد در اقامه دعوی جمعی

همان‌طور که بیان شد، سازوکار اقامه دعوی جمعی در جبران خسارات ناشی از نقض قواعد امنیتی راهکار آیین‌نامه ۲۰۱۶ برای جبران ضرر و زیان است. اما اقامه دعوی جمعی برای اشخاص حقیقی، که اقبال ضعیف جامعه باشند، با چالش‌هایی مواجه خواهد بود. مسئله اول ناآگاهی آن‌ها از حقوق قانونی خویش است. در صورتی که شخصی از حقوق قانونی که برای وی در جهت احقاق حق پیش‌بینی شده آگاه نباشد، طبیعتاً سازوکار اقامه دعوی جمعی نیز آن‌طور که باید به منصفه ظهور نخواهد رسید (Eurobarometer 2019: n11, 4). طراحی برنامه‌های آموزشی در شبکه‌های اجتماعی یا رادیو و تلویزیون ملی نیز نمی‌تواند راهکاری مناسب برای حل مشکل ناآگاهی مردم باشد. دلیل این موضوع نیز امکان سوءاستفاده افراد سودجو و ترغیب مردم برای اقامه دعوی واهی است که می‌تواند آثار زیان‌باری به دنبال داشته باشد. یکی از این آثار بی‌میلی کنترل‌کنندگان ابزارهای اینترنت اشیا، ابزارهای واقعیت مجازی، یا دیگر ابزارهای مرتبط با حوزه جمع‌آوری اطلاعات یا پردازندگان اطلاعات مذکور است (Eurobarometer 2019: n12). علاوه بر آن، اقامه دعوی متعدد توسط افراد می‌تواند به شهرت تجاری اشخاص مذکور لطمه بزند.

مسئله دوم در اقامه دعوی جمعی چالش وجود هزینه‌های اقامه دعوا در دادگستری و بی‌اعتمادی اشخاص به یک‌دیگر است. از آنجا که اقامه دعوا در یک موضوع نیازمند صرف هزینه دادرسی یا پرداخت حق‌الوکاله وکیل است، ممکن است اشخاص زیان‌دیده به جهت محرومیت از منابع مالی کافی امکان اقامه دعوا در مراجع قضایی را نداشته باشند. ضمن اینکه طرح دعوی متعدد حقوقی در یک باب و ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی در دعوی متعدد می‌تواند نظر مراجع قضایی را در پذیرش این ادعا از سوی خواهان‌ها تحت‌الشعاع قرار دهد (Janciute 2019).

۹. علاوه بر آن، در صورتی که دادگاه‌های متعدد در کشورهای مختلف در یک موضوع مبادرت به رسیدگی کنند و آن شرکت در کشور مزبور دارای شرکت تابعه یا وابسته نباشد، اقامه دعوا در آن کشور عملاً واجد فایده عقلایی نخواهد بود. در کنار این موارد، بی‌اعتمادی اشخاص به اعطای نمایندگی به شخصی واحد برای اقامه دعوا علیه شرکت مزبور به جهت پیچیدگی‌های رسیدگی قضایی و قابل پیش‌بینی نبودن نتیجه رسیدگی در دادگستری، به‌خصوص در نظامات حقوقی کامن‌لا، نیز می‌تواند کیفیت اقامه دعوا در دادگستری را تحت‌الشعاع قرار دهد.

وجود مشکلات بیان‌شده موجب شد آژانس حقوق اساسی اتحادیه اروپا، برای رفع چالش‌های مذکور، پیشنهاد اعطای مجوز به سازمان‌های مردم‌نهاد خاصی را در کشورهای عضو این اتحادیه، جهت اقامه دعوی جمعی به کمیسیون اتحادیه اروپا، و گنجاندن مقرراتی در آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ برای مشروعیت بخشیدن به این اقدامات و الزام کشورهای عضو برای اجرای این سازوکار در کشور خود ارائه دهد. این اقدامات به پیش‌بینی این موارد در ماده ۸۰ آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ منجر شد. در بند ۱ ماده مذکور به سازمان‌های مردم‌نهاد امکان اقامه دعوا در مراجع قضایی و پیگیری کامل موضوع در دادگستری اعطا شد. از آنجا که این سازمان‌ها در صورت دریافت مجوز از کشور متبوع خود قانوناً نماینده اشخاص زیان‌دیده در اقامه دعوا در دادگستری شناخته می‌شوند، حتی دریافت نمایندگی از سوی زیان‌دیدگان نیز برای اقامه دعوا از سوی مشارالیه‌م در دادگستری لازم نیست و آن‌ها از اختیار تام در رسیدگی و اقامه دعوا برخوردار خواهند بود. این در حالی است که در حقوق ایران امکان طرح دعوا بدون وجود رابطه نمایندگی قراردادی یا قانونی میان یک سازمان و اشخاص پذیرفته نشده است (هرمزی ۱۳۹۴: ۲۴). چون، مطابق ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه و مواد ۶ به بعد لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری و مواد ۲۵ به بعد قانون وکالت و مفاد مواد ۱۹۶ و ۶۵۶ تا ۶۸۳ قانون مدنی، اشخاص در صورتی صلاحیت اجرای حقوق دیگران را دارند که این صلاحیت از ناحیه ذی‌حق نیز به آن‌ها اعطا شود. ازین‌رو، اجرای سازوکاری خلاف قواعد عام نیازمند سیاست‌گذاری تقنینی است.

اما سؤال پیش‌رو این است که آیا به‌رغم وجود صلاحیت بر اقامه دعوا در مراجع قضایی این

سازمان‌ها از صلاحیت استرداد دعوا در دادگستری نیز برخوردارند؟ از آنجا که ضرورت حفظ مصلحت موکل در همه نظامات حقوقی به منزله یک قاعده اساسی پذیرفته شده است، به نظر می‌رسد فقط در مواردی که چنین ضرورتی وجود داشته باشد سازمان‌های مذکور از چنین امکانی برخوردار خواهند بود و در غیر این صورت اقدامات آن‌ها به ضرر موکل است و قانوناً مسئول جبران ضررهای وارده ناشی از عمل خودند. بند ۲ ماده ۸۰ نیز به کشورهای عضو اتحادیه اختیار سیاست‌گذاری تقنینی برای چگونگی جبران خسارات ناشی از تقصیر آن‌ها به اشخاص زیان‌دیده یا چگونگی دریافت مجوزهای فعالیت در آن کشورها را اعطا کرده و در صورت وجود قرارداد متقابل میان کشورها امکان فعالیت سازمان‌های مذکور به صورت فراملی نیز فراهم آمده است.

#### پیش‌بینی شاخصه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در اقامه دعاوی جمعی

به جهت مشکلاتی که سازوکار اقامه دعاوی جمعی در حوزه حقوق رقابت در نظام حقوقی اتحادیه اروپا پدید آورده است، به‌رغم تصریح ماده ۸۰ آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶، توصیه‌نامه‌هایی از سوی کمیسیون اتحادیه اروپا وضع شده تا به کشورهای عضو اتحادیه پیش‌مقرراتی در زمینه چگونگی اعطای مجوز به سازمان‌های مردم‌نهاد پیشنهاد دهند. توصیه‌نامه مورخ ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ این اتحادیه<sup>۱</sup> در زمینه ایجاد رویه‌ای واحد در کیفیت فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مقرراتی را به منزله قواعد پیشنهادی کمیسیون اتحادیه اروپا به کشورهای عضو پیشنهاد کرده است. مطابق بند ۱ ماده ۴ این توصیه‌نامه فقط شرکت‌های غیر انتفاعی از امکان کسب مجوزهای لازم برای اقامه دعاوی جمعی در کشورهای عضو اتحادیه برخوردارند و شرکت‌های تجاری یا دیگر سازمان‌های دولتی یا عمومی غیر دولتی از امکان کسب مجوز برای فعالیت در حوزه اقامه دعاوی جمعی منع شده‌اند.

در این میان مقررات بند ۲ ماده مذکور تصریح کرده شرکت‌های غیر انتفاعی نیز مطلقاً از امکان کسب مجوز فعالیت برخوردار نیستند و فقط در صورتی قادر به درخواست کسب مجوز خواهند بود که حداقل سه سال از زمان تشکیل و برخورداری از شخصیت حقوقی آن‌ها گذشته باشد. علاوه بر آن، مطابق تصریح بند ۳ ماده مرقوم، شرکت‌های غیر انتفاعی متقاضی کسب مجوز، به‌رغم وجود شرایط بندهای ۱ و ۲، باید از حیطة تخصصی مرتبط با دعاوی تشکیل‌شده حوزه امنیت

1. Recommendation 2013-2014/ 396/EU.

اطلاعات، نیروی انسانی متخصص، و منبع مالی کافی برخوردار باشند و حوزه تخصصی آن‌ها نیز در اساسنامه این شرکت‌ها تصریحاً مورد اشاره واقع شده باشد. مطابق مقررات ماده ۵ توصیه‌نامه نیز در صورتی که شرکت‌های دارای مجوز هر زمان هر یک از شرایط ماده ۴ این توصیه‌نامه را از دست بدهند مجوز آن‌ها توسط دولت متبوع آن‌ها باطل می‌شود و در صورت کسب شرایط لازم مجدداً از امکان درخواست برای دریافت مجوز برخوردار خواهند بود. اما سؤال پیش رو این است که در صورتی که شرکتی با برخورداری از مجوز به اقامه دعوا در مراجع قضایی مبادرت کند و حین رسیدگی قضایی شرایط برخورداری از مجوز را از دست دهد آیا امکان تعقیب امر قضایی تا پایان مراحل رسیدگی را خواهد داشت یا این امر باید توسط نماینده دیگری صورت پذیرد؟ در این خصوص می‌توان از دو منظر قائل به تفکیک شد:

استدلال دیدگاه اول، یعنی منع ادامه تعقیب توسط نماینده مزبور، این است که صلاحیت نماینده در اقامه دعوا و تعقیب آن باید بر اساس اهلیتی باشد که مراجع صلاحیت‌دار به وی اعطا کرده‌اند. ازین رو در صورتی که به هر دلیل این صلاحیت از وی سلب شود امکان تعقیب رسیدگی نیز توسط وی به جهت عدم وجود اهلیت تمتع وجود نخواهد داشت.

اما دیدگاه دوم، که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، بر امکان ادامه تعقیب توسط نماینده مزبور، حتی بر فرض سلب شرایط نمایندگی، تصریح می‌کند. زیرا مفاد ماده ۸۰ آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ بر ضرورت اقامه دعوا و تعقیب رسیدگی توسط نهادهای مردم‌نهاد اشاره کرده است. ازین رو، اهلیت تمتع نهادهای مزبور پس از دریافت مجوز از کشور متبوع خود فقط در اقامه دعوا خلاصه نشده و اقامه دعوا توسط این مراجع مقدمه لازم برای تعقیب رسیدگی توسط آن‌ها خواهد بود. ازین رو، حتی در صورتی که در اثنای رسیدگی اهلیت مشارالیه به هر دلیل ساقط شود، صلاحیت وی برای ادامه تعقیب رسیدگی در این پرونده زایل نخواهد شد. البته در صورتی که نهاد مزبور تمایل به ادامه فعالیت در این حوزه داشته باشد ملزم به دریافت مجدد مجوز برای دیگر پرونده‌های مطرح شده خواهد بود.

اما چالش دیگری که در این خصوص می‌تواند مطرح شود لازم‌الاجرا بودن مقررات توصیه‌نامه برای کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. همان‌طور که بیان شد ماده ۱۲ پیمان عملکرد اتحادیه

اروپا سیاست‌گذاری‌های تقنینی این اتحادیه برای کشورهای عضو را لازم‌الاتباع تلقی کرده است. اما، به تعبیر حقوق‌دانان این اتحادیه، توصیه‌نامه‌های کمیسیون اتحادیه اروپا سیاست‌گذاری تقنینی، که ضرورت اجرا توسط کشورهای عضو اتحادیه را داشته باشند، تلقی نمی‌شوند (Sianta 2019: 4). ازین‌رو میزان اعتبار این مقررات در محدوده توصیه‌نامه‌های صرف است که گاه از کمیسیون‌های سازمان ملل متحد نیز برای یکنواخت‌سازی مقررات داخلی کشورهای عضو سازمان ملل متحد نیز صادر می‌شود. بنابراین، الزام‌آور بودن این مقررات برای کشورهای عضو محل تردید بسیاری از حقوق‌دانان این اتحادیه است. در این خصوص، چالش موجود این است که در صورتی که به جهت وجود قرارداد متقابل میان کشورهای عضو اتحادیه نهادهای متبوع هر کشور از کشور متقابل مبادرت به دریافت مجوز کنند، زوال شرایط کسب مجوز توسط نهادهای مذکور آیا مطابق قوانین کشور متبوع آن‌ها خواهد بود یا این زوال باید مطابق شرایط کشور اعطاکننده مجوز صورت پذیرد؟ اگر قرارداد متقابل میان کشورهای یادشده ملغی شود، آیا نهادهای مذکور قادر به ادامه فعالیت در کشور متبوع خود هستند؟

در خصوص پاسخ به سؤال اول، به نظر می‌رسد وجود یا زوال شرایط فعالیت در کشور متبوع نهاد مذکور منوط به برخورداری از شرایط کشوری باشد که آن نهاد آنجا به دریافت مجوز اقدام کرده است. به عبارت دیگر، کشور متبوع وی با پذیرش شرایط کشور طرف قرارداد مقررات قانونی موجود در آن کشور را مورد اعتبارسنجی قرار داده است. ازین‌رو اگر به جهت تعارض میان مبانی موجود در دو کشور امکان دریافت مجوز از کشور غیر متبوع نهاد متقاضی وجود داشته باشد، ادامه این شرایط نیز مطابق مقررات کشور مزبور خواهد بود. اما فقدان قدرت الزام‌آوری در توصیه‌نامه بیان‌شده به عدم تحقق یکنواخت‌سازی مقررات اعطای مجوز در کشورهای عضو اتحادیه منجر می‌شود. در این صورت، اگر قرارداد مذکور میان دو کشور ملغی شود، مسئله پیش‌رو ضرورت یا عدم ضرورت کسب مجوز جدید توسط شرکت‌هایی است که به صورت قانونی مجوز فعالیت خود را از مراجع صلاحیت‌دار دریافت کرده‌اند که به نظر نگارندگان لغو قرارداد متقابل نیز به منزله ضرورت اخذ مجوز توسط نهادهای متقاضی خواهد بود که این امر می‌تواند منجر به تحمیل هزینه اضافی به آن‌ها شود.



دیگر اثر این موضوع نیز بی‌توجهی کشورهای اتحادیه به توصیه‌نامه‌های کمیسیون اتحادیه اروپا، در جایگاه یکی از نهادهای عالی این اتحادیه در سیاست‌گذاری‌های تقنینی و اجرایی، است. چون توصیه‌نامه مورخ ۲۰۱۴ مقرراتی است که پس از جلسات متعدد نمایندگان کشورها به رشته تحریر درآمده و این مطلب که توصیه‌نامه‌ای که نماینده یک کشور عضو اتحادیه در تصویب آن نقش داشته و نظر وی و دیگر نمایندگان کشورهای عضو منجر به تصویب آن شده برای کشور متبوع آن‌ها هیچ اثر الزام‌آوری نداشته باشد وضعیت دور از انتظار است. اگر چنین تلقی شود، چه ضرورتی به صرف وقت و هزینه برای تصویب چنین توصیه‌نامه‌هایی وجود دارد. ازین‌رو، به نظر می‌رسد بازنگری مقررات اتحادیه اروپا و سیاست‌گذاری‌های تقنینی در جهت تغییر این رویه در این اتحادیه ضروری باشد (Janciute 2019: 11).

در حقوق ایران، مطابق مقررات عام موجود در قانون ناظر بر تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسات مردم‌نهاد در هر قالبی - اعم از انجمن، بنیاد، سازمان، و ... - به تصویب رسیده باشند، پس از تصویب و برخورداری از شخصیت حقوقی قادر به فعالیت در کشور ایران خواهند بود. اما اقامه دعوی این سازمان‌ها به نمایندگی از دیگر اشخاص در مراجع قضایی منوط به وجود شرایط ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی یا پروانه وکالت است که در حال حاضر اعطای این پروانه فقط به اشخاص حقیقی امکان‌پذیر است (شمس ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۲۴). ازین‌رو، سازوکار بیان‌شده در نظام حقوقی اتحادیه اروپا در ظاهر با مبانی موجود در حقوق ایران در تعارض است و اجرای آن منوط به سیاست‌گذاری تقنینی است.

### نتیجه

سازوکار جبران جمعی خسارات ناشی از نقض قواعد حفاظت از داده‌های شخصی اروپاییان موضوع آیین‌نامه عمومی حفاظت از اطلاعات خصوصی اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۱۶ سازوکاری نوین است که سیاست‌گذاران این اتحادیه در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ابزارهای اینترنت اشیا یا ابزارهای واقعیت مجازی پیش‌بینی کرده‌اند. این سازوکار از جهت ماهیت و شکل تفاوت‌های اساسی با سازوکار موجود در قواعد حقوق رقابت دارد.

از شاخصه‌های اصلی این سازوکار توسعه صلاحیت محلی دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به دعاوی

انفرادی مطروحه جهت جبران خسارات وارده از ناحیه کنترل‌کننده یا پردازنده اطلاعات ابزارهای مذکور موضوع ماده ۷۷ آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ و پیش‌بینی سازوکار جبران جمعی خسارات مطابق مفاد ماده ۸۰ مقررات مذکور است. مطابق این سازوکار اقامه دعوی جمعی باید از ناحیه سازمان‌های مردم‌نهادی شکل گیرد که مطابق قواعد داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا کشورهای دارای قرارداد متقابل مبادرت به کسب مجوزهای فعالیت کرده باشند. این مجوز به منزله اعطای نمایندگی قانونی به سازمان‌های مذکور است که بدون کسب گواهی نمایندگی از متضرران نیز قابلیت اقامه دعوا در مراجع قضایی را خواهند داشت. به‌رغم نبود هر گونه شرط خاص برای فعالیت سازمان‌های مذکور در حوزه حقوق رقابت، در جهت دریافت مجوز فعالیت برای اقامه دعوی حوزه نقض قواعد امنیتی آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶، صلاحیت و تخصص این مؤسسات باید به تأیید کشور متبوع آن‌ها یا کشور دارای قرارداد متقابل با کشور متبوع آن سازمان رسیده باشد و این صلاحیت در اعطا یا عدم اعطای مجوز مذکور به سازمان متقاضی مؤثر خواهد بود.

مشکلات ایجادشده در اجرای آرای صادره در دعوی جمعی حوزه حقوق رقابت موجب شده است سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا در دستورالعمل حمایت از حقوق جمعی مصرف‌کنندگان در سال ۲۰۱۸ کشورهای متبوع ناقضان قواعد امنیتی را نیز ملزم به جبران خسارات جبران‌نشده موجود در احکام دادگاه‌ها کنند. در حقوق ایران اما اجرای این مکانیسم نو به جهت تعارضاتی که مقررات دربردارنده آن با قواعد عام موجود دارد نیازمند برخی سیاست‌گذاری‌های تقنینی و اجرایی به شرح ذیل است:

۱. سیاست‌گذاری تقنینی در جهت تصویب قوانین کارآمد در زمینه چگونگی ورود ابزارهای اینترنت اشیا یا واقعیت مجازی به بازارهای داخلی ایران، تصویب قواعد موجود در آیین‌نامه و دستورالعمل مصوب ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ اتحادیه اروپا برای صیانت هر چه بهتر از حقوق مصرف‌کنندگان و اصلاح قوانین موجود در جهت جلوگیری از ایجاد تعارضات احتمالی میان قوانین سابق و لاحق.

۲. سیاست‌گذاری اجرایی در جهت نظارت بر چگونگی عملکرد کنترل‌کنندگان یا پردازندگان ابزارهای اینترنت اشیا یا واقعیت مجازی و کیفیت و کمیت اطلاعات خروجی از کشور برای پردازش آن‌ها توسط پردازندگان موجود در خارج از محدوده صلاحیت سرزمینی کشور ایران.
۳. سیاست‌گذاری اجرایی در جهت آگاهی‌بخشی به همهٔ اقشار جامعه در جهت چگونگی عملکرد ابزارهای مذکور و حقوق قانونی مشارالیه‌م در جبران خسارات مادی و معنوی وارد شده به آن‌ها از طریق انواع شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌های ارتباط جمعی.
۴. سیاست‌گذاری تقنینی در جهت پیش‌بینی مسئولیت دولت در جبران خسارات وارده به مصرف‌کنندگان جهت جلوگیری از تضييع حقوق مشارالیه‌م و افزایش کارآمدی دولت در نظارت بر بازار.



## منابع

۱. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱). *ضمان قهری، مسئولیت مدنی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲. رهیپک، سیامک (۱۳۹۵). *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*، تهران، خرسندی.
۳. شمس، عبدالله (۱۳۹۴). *آیین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، تهران، دراک، ج ۱ و ۲.
۴. طهماسبی، علی (۱۳۹۶). «قواعد استرداد دادخواست و دعوی بدوی در فرض تعدد اصحاب دعوی»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۱ (۷۴-۷۳)، صص ۴۵-۷۲.
۵. هرمزی، خیرالله (۱۳۹۴). «شرط قابل استماع بودن دعوا در فقه (شرحی بر بند ۳ و ۵ الی ۱۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی)»، *پژوهش حقوق خصوصی*، ۴ (۱۳)، صص ۹-۳۵.
6. Band Christa, Strik Daniells, Malaga Fransisco, Warnot James, Ashby Patric, Larnar James (accessed 6 Dec 2019). Collective Redress Across the Overview, *online Edition: www.linklaters.com*.
7. Bernard, B. C. (accessed 20 Oct 2019). 'Morrisons Data Leak: Supermarket Liable for Staff Details Breach' <<http://www.bbc.com/news/uk-england-42193502>>.
8. Beatriz Conde 'Gallego & Drexl'Josef (2019). IoT Connectivity Standards: How Adaptive is the Current SEP Regulatory Framework?, *International Review of Intellectual Property and Competition Law*, (50)1, pp. 135-156.
9. Nwaneri'Crystal (2017). Ready Lawyer one: Legal Issues in ne Innovation of Virtual Reality, *Harvard Journal of Law &Technology*, (30)2, pp. 602-627.
10. Eurobarometer (accessed 25 Oct 2019). 'Flash Eurobarometer N 225—Data Protection in the European Union: Citizens' Perceptions', *online Edition: hh tt://ooooooooouuucanmooooooooo//// // nnnnnnnmmrradh\_22\_en.pdf*.
11. Eurobarometer (accessed 23 Oct 2019). 'Special Eurobarometer N 359—Attitudes on Data protection and electronic identity in the European Union' *hh tt://ooooooooouuucanmooooooooo//// // nnnnnnnmmrrhhhhhhhh// \_\_\_\_\_... dd>>*
12. Eurobarometer (accessed 25 Oct 2019). 'Special Report 252—Consumer protection in the Internal Market' *hh tt://ooooooooouuucanmooooooooo//// // pinion/archives/ebs/ebs252\_en.pdf*>.
13. European Commission (accessed 20 Oct 2019). 'Frequently Asked Questions: European Commission Recommends Collective Redress Principles to Member States', [http://europa.eu/rapid/press-release\\_MEMO-13-530\\_en.htm](http://europa.eu/rapid/press-release_MEMO-13-530_en.htm).
14. European Consumer organisation (2017). Where does Collective Redress for Individual Damages Exist? [https://www.beuc.eu/publications/beuc-x-2017-117\\_collective\\_redress\\_country\\_survey.pdf](https://www.beuc.eu/publications/beuc-x-2017-117_collective_redress_country_survey.pdf).
15. Hodges, C. Tani (accessed 15 Oct 2019). 'Consumers, MEPs Want Better Redress after Dieselgate' <<https://euobserver.com/economic/139381>>.
16. Wakefield J (accessed 21 Oct 2019). 'Google Faces Mass Legal Action in UK Over Data Snooping' <http://www.bbc.com/news/technology-42166089>.
17. Kane Patric (accessed 2 Dec 2019). GDPR—Collective Actions Under the Privacy

- Banner, <https://www.wsgrdataadvisor.com/2018/03/gdpr-collective-actions/>.
18. Janciute Laima (2019). Data protection and the construction of collective redress in Europe: exploring challenges and opportunities, *International Data Privacy Law*, (9)1, pp. 2-14.
19. Sianté, E. P. (accessed 23 Oct 2019). 'Notice to Members/ Petition No 0802/2015 by J.V. Online Edition: <<http://www.erepresentativeeuroparl.europa.eu/sides/getDoc.do?type%40COMPARL&reference%40PE-587.740&format%40PDF&language%40EN&secondRef%401>>.
20. Skadden (accessed 2 Dec 2019). GDPR Collective Civil Claims Present Potential for Reputational Risk and 'Ruinous' Damages, <https://www.jdsupra.com/legalnews/gdpr-collective-civil-claims-present-79554/>.
21. van Deursen Stijn , Thom Snijders (2019). The Court of Justice at the Crossroads: Clarifying the Role for Fundamental Rights in the EU Copyright Framework, *International Review of Intellectual Property and Competition Law* (49)3, pp. 1080–1098.
22. Pahl Ursula (accessed 22 Oct 2019). Augusta Maciulevičiūtė, Patrycja Gautier, Sébastien Pant, Collective redress for all Europeans, <https://www.beuc.eu/collective-redress-all-eu-consumers>.

